



اوپک و پنجاه سال حیات

فریدون برکشلی در سال ۱۹۷۸ دکترای اقتصاد خود را دریافت کرد و با اندک زمانی در سال ۱۳۵۸ به عضویت هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (مجتمع علوم اداری و بازرگانی وقت) درآمد. وی سپس در سال ۱۳۶۱ به وزارت نفت آمد و مدت ۱۴ سال ریاست امور اوپک و روابط بین‌الملل این وزارتخانه را عهده‌دار شد. پس از آن نیز به عنوان مشاور وزیر نفت در امور بین‌الملل به موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی منتقل و معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات بین‌المللی را برعهده گرفت. وی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ با سمت رایزن انرژی ایران در اوپک و سازمان ملل مشغول به فعالیت بوده است. دکتر برکشلی در حال حاضر به عنوان مشاور با بسیاری از مؤسسات داخلی و بین‌المللی همکاری می‌کند. این گزارش براساس گفتگوی کتبی با ایشان تنظیم شده است.



سال‌های آغازین تأسیس اوپک

نمی‌کرد و در واقع موقعیت خود را هنوز پیدا نکرده بود. در حالی که برطبق اساسنامه سازمان که به تصویب پنج عضو مؤسس اوپک شامل ایران، عربستان، ونزوئلا، عراق و کویت رسید، هدف اصلی از تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت، به حداکثر رساندن منافع اعضای سازمان در بازارهای جهانی نفت بود، لیکن طی سال‌های اولیه، کشورهای عضو دقیقاً نمی‌دانستند یا نمی‌توانستند که ابزارها و سازوکارهای لازم برای تحقق این هدف چیست و چگونه باید اعمال شود. در

وقتی تاریخچه سازمان اوپک را نگاه می‌کنیم، این سازمان در طول نیم قرن از حیات خود فراز و نشیب‌ها و تغییرات مهمی را پشت سر گذاشته و اکنون در آستانه پنجاه و یکمین سال تأسیس خود، کماکان مهمترین نهاد تعیین‌کننده و تنظیم‌کننده بازار جهانی نفت به شمار می‌آید. اوپک در دهه اول تأسیس خود در سال ۱۹۶۰ نقش چندان قابل‌ملاحظه‌ای در بازار نفت و سیاست‌های قیمت‌گذاری آن ایفا

عین حال که شرایط هم چندان مساعد نبود. کویت هنوز رسماً مستعمره انگلیس بود. در تمام کشورهای مؤسس و کشورهای که یکی پس از دیگری به عضویت سازمان درآمدند، نظام تسهیم تولید (Production Sharing) بین تولیدکنندگان و شرکت‌های بین‌المللی نفتی موسوم به هفت خواهران برقرار بود و دولت در کشورهای عضو اوپک مالکیت قانونی تمام عیاری بر میزان تولید و صادرات نفت نداشت و نمی‌توانست سیاست مشخصی را رأساً بر ساختار بازار و قیمت‌گذاری نفت اعمال کند. جریان ملی شدن صنایع نفت کشورهای اوپک در سال ۱۹۶۹ از لیبی شروع شد و در طول پنج سال به اغلب کشورهای مؤسس و اعضای تازه سازمان کشیده شد. آن طور که در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳، سازمان موفق به تحریم نفتی حامیان رژیم صهیونیستی شامل آمریکا، انگلیس و هلند شد. سال ۱۹۷۳ نقطه عطف مهمی در تاریخ حیات اوپک است. از یک سو اقدام اوپک در تحریم کشورهای اصلی حامی اسرائیل برای اولین بار به طور جدی و مؤثر قدرت نفت به عنوان یک سلاح سیاسی را به صحنه روابط بین‌المللی کشانید. پیش از آن در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران در ۵۲-۱۹۵۱، تحریم نفتی از سوی شرکت‌های خارجی بر علیه ایران اعمال شد و تأثیر آن در بورس لندن از مرز ۳ سنت در هر بشکه فراتر نرفت، ولی تحریم ۱۹۷۳ که از طرف جمعی از مهمترین تولیدکنندگان نفت اعمال شد، قیمت جهانی نفت را به طور ناگهانی تا سه برابر افزایش داد و در فوریه ۱۹۷۴ به رقم ۱۱/۷۰ دلار در بشکه رساند. بازار جهانی هم پس از اندکی تأمل و مقاومت، در نهایت قیمت جدید را پذیرفت و جذب کرد.

یکی از دلایل اصلی که اوپک توانست در تثبیت قیمت حتی پس از خاتمه تحریم نفتی مصرف‌کنندگان و پایان بحران موفق باشد، شرایط خاص بازار جهانی نفت در دهه ۱۹۷۰ بود. آن زمان شرکت‌های بزرگ نفتی شرایط انحصاری خود را در بازار نفت از دست داده بودند و از ساختار موسوم به

هفت خواهران فاصله گرفته و تعداد زیادی شرکت‌های کوچکتر از بین آنها و خارج از آنها شکل گرفته بود که با یکدیگر رقابت می‌کردند و موقعیت انحصاری تعداد انگشت شمار شرکت‌ها تغییر کرده بود. در عین حال، کشورهای مصرف‌کننده‌ای که به سبب رونق اقتصادی، تقاضای نفت روزافزونی داشتند هم شرکت‌های نفتی (عموماً دولتی) تأسیس کرده و وارد بازار و صحنه جهانی نفت شده بودند. هند، کره جنوبی و برزیل نمونه‌هایی از این کشورها بودند که به تدریج سهم خود را در بازار جهانی نفت بالا بردند. بنابراین تغییر ساختار انحصاری بازار بین‌المللی نفت، موقعیت مناسبی را برای تولیدکنندگان اوپک فراهم آورد. همچنین در آن دوره تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفتی باقی‌مانده از هفت‌خواهران به نوعی منافع خود را با سازمان اوپک هم‌سو می‌دیدند. بدین معنا که با ایجاد فضای رقابت میان شرکت‌های نفتی، برخی از شرکت‌های بزرگ در برنامه‌های خود تغییراتی را دادند و فعالیت‌های نفتی خود را تجزیه کرده و به جای اصول و سیاست سنتی خود مبنی بر حاکمیت بر چرخه کامل صنعت نفت - از ابتدای فعالیت‌های بالادستی تا انتهای چرخه پائین دستی -، این بار فعالیت‌های خود را تخصصی کردند؛ به‌طور مثال شرکت‌های بی‌پی یا آرامکو بخش عمده فعالیت خود را متوجه اکتشاف، استخراج و تولید کردند و در عمل با سازمان اوپک هم‌سو شدند تا از قیمت بالای نفت سود برند.

تحولات ساختار بازار جهانی نفت و نقش اوپک

طی دوره ۱۹۷۰ شرکت‌های بزرگ نفتی، فعالیت خود را از کشورهای عضو اوپک به خارج از حیطه این سازمان منتقل کردند و بر میزان ذخائر نفتی خود در خارج از کمربند اوپک و به ویژه خاورمیانه افزودند. در واقع پدیده تولیدکنندگان غیراوپک که از دهه ۱۹۸۰ به بعد عرصه جهانی نفت شد، بدلیل متنوع‌سازی عملیات بالادستی

شرکت‌های نفتی به مناطق خارج از اوپک بود. تولیدکنندگانی مانند مکزیک، مصر، نروژ و آنگولا (که در سال ۲۰۰۷ به اوپک پیوست) از آن جمله بودند و صنعت نفت شرایطی را پیدا کرده بود که اقدام اوپک برای افزایش نسبی قیمت با منافع تعدادی از بازیگران عمده بازار جهانی همسو می‌شد. البته بدیهی بود که مصرف‌کنندگان که ناچار بودند تا هزینه بالاتری را برای خرید نفت بپردازند، مقاومت جدی را سازمان دهند که بارزترین آن تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی توسط کشورهای صنعتی در ۱۹۷۴ با هدف مقاومت در مقابل آنچه که زیاده‌خواهی اوپک نامیده می‌شد، بود. در عین حال که آژانس بین‌المللی انرژی با علم به وابستگی روزافزون بازار جهانی نفت به منطقه خاورمیانه، سیاست تنظیم و مدیریت ذخیره‌سازی نفت را به منظور مقابله با بحران‌های آتی به طور اصولی پایه‌ریزی کرد. همین برنامه مدیریت ذخیره‌سازی توسط کشورهای صنعتی بود که به تدریج به یک عامل مهم در کنترل و تعدیل قیمت جهانی نفت تبدیل شد.

در آخرین ماه‌های دهه ۱۹۷۰ بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیرات مهمی بر بازار جهانی نفت و ساختار قدرت در سازمان اوپک بر جای گذاشت. تأثیر کوتاه‌مدت برپائی نظام جمهوری اسلامی در ایران، افزایش قیمت جهانی نفت بود که در دسامبر ۱۹۸۰ به مرز ۳۶ دلار در بشکه هم رسید. از اوائل سال ۱۹۷۹ با بروز ناآرامی‌ها در ایران تولید نفت ایران از ۵/۶ میلیون بشکه در روز به سطح ۱/۲ میلیون بشکه در روز در اوائل پیروزی انقلاب رسید و تمام اعضای اوپک که ظرفیت مازاد تولید داشتند، عرضه نفت خود را افزایش دادند و البته سود زیادی بردند، ولی تمام تلاش آنها در افزایش تولید خلا بیش از ۴ میلیون بشکه در روز نفت ایران را در بازار جبران نکرد و قیمت به روند صعودی خود ادامه داد. پس از آن جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران هم بر التهاب بازار جهانی نفت افزود و با آنکه همه اعضا اوپک برای جبران کمبود نفت ناشی از

ساختار درونی اوپک

وزرای نفت کشورهای عضو اوپک در دهه‌های مذکور و تا اوائل دهه ۱۹۹۰ شخصیت‌های کاملاً سیاسی بودند و در بیشتر موارد وزرای نفت در مقام مقایسه از وزرای امور خارجه کشورهای خود هم سیاسی‌تر بودند. یکی از ویژگی‌های مهم دیگر وزرای نفت کشورهای اصلی عضو اوپک، پیوند و اتصال تمام عیار آنها با نظام حکومتی و بالاترین مقام تصمیم‌گیری کشورهای متبوع آنان بود. اما طی دهه ۱۹۹۰ و اوائل ۲۰۰۰ وزرای سیاسی یکی پس از دیگری جای خود را به وزرای تکنوکرات دادند. این تحول در درون ساختار اوپک، عمدتاً منبعت از تغییرات ساختار بازار جهانی نفت و تفوق مکانیسم

بازار جهانی نفت و سازمان اوپک بشدت سیاسی بود. تحولات و وقایع مهم سیاسی که جملگی در منطقه خاورمیانه به وقوع می‌پیوست، تأثیرات مستقیمی بر روابط اعضای اوپک و بازار نفت بر جای می‌گذاشت. وقایعی چون جنگ اعراب و اسرائیل، حمله رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران و واقعه موسوم به مکه خونین و سپس تهاجم عراق به کویت که متعاقباً منجر به ورود نظامی آمریکا به خاورمیانه شد، در روابط میان اعضای و رابطه اوپک با بازار جهانی نفت تأثیرات سوئی بر جای گذاشت. لیکن واقعیت مهمی که مستلزم بررسی و مطالعه عمیق تحلیلگران اقتصاد سیاسی نفت است، از آن حکایت دارد که علیرغم بارها لشکرکشی اعضای اوپک به

کاهش شدید تولید ایران و عراق تولید خود را افزایش دادند، برنده اصلی عربستان بود. عربستان که دارای ظرفیت مازاد بالائی بود با استفاده از شرایط به وجود آمده تولید خود را به شدت افزایش داد.

اما در اواسط دهه ۱۹۸۰ روند قیمتی برعکس شد. افزایش بی‌سابقه تولید اوپک و به ویژه عربستان و رقابت تولیدکنندگان غیر اوپک، بازار جهانی نفت را با عرضه مازاد مواجه کرد. با کاهش رشد اقتصادی در کشورهای مصرف‌کننده صنعتی خصوصاً آمریکا که تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی رونالد ریگان رخ داده بود، تقاضا هم پائین آمد و قیمت جهانی نفت تا مرز ۷ دلار در هر بشکه سقوط کرد. به جرأت می‌توانیم سال ۱۹۸۶ را سخت‌ترین مقطع در تاریخ پنجاه ساله اوپک بدانیم.

کاهش تولید نفت ناشی از اشباع بازار و سطح نازل قیمت جهانی، تأثیر سوئی بر سطح درآمد کشورهای عضو بر جای گذاشت. عربستان که در ۱۹۸۳ حدود ۱۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی مازاد داشت، در ۱۹۸۷ به یک کشور بدهکار تبدیل شد. سایر اعضای هم شرایط کم و بیش مشابهی داشتند؛ اما افت شدید تولید و قیمت برای ایران شرایط به ویژه دشواری را به وجود آورد. اداره کشور و یک جنگ طولانی با درآمد سالانه ۸-۷ میلیارد دلاری، موقعیت ایران را نسبت به سایر اعضای اوپک مشکل کرده بود و کاهش درآمد نفتی بر روی جبهه و جنگ هم تأثیر می‌گذاشت. به گفته حشمت‌زاده -تحلیل‌گر ارشد اقتصاد سیاسی نفت- طی آن دوره در مواردی منحنی عملیات نظامی در جبهه‌ها، مشخصاً منحنی درآمد حاصل از صادرات نفت را دنبال می‌کرد. بدیهی بود که عراق هم از نظر کمبود درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت وضعیت کم‌ویش مشابهی با ایران را داشت، اما کمک‌های سخاوتمندانه کشورهای عربی منطقه و غرب، امکان ادامه ماجراجوئی را برای دولت بعثی عراق فراهم می‌ساخت.

در مجموع در طول دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰



بازار بر سیاست‌های سازمان اوپک بود و در آن برهه عملکرد اوپک به شدت ناشی از عملکرد بازار بود و نقش ملاحظات سیاسی در تصمیمات اوپک حاشیه‌ای شده بود. روابط ما بین اعضای اصلی علی‌الخصوص ایران و عربستان کم و بیش خوب بود. عراق از حیظ انتفاع خارج شده بود و نقش خود را در سازمان تا حدود زیادی از دست داده بود. روابط نزدیک ایران با ونزوئلا به عنوان یک عضو مؤثر اوپک هم به تقویت موقعیت هیئت ایرانی کمک کرده بود. در آن دوره بازار نفت هم از یک ثبات نسبی برخوردار بود، اما اکثر اعضای از تثبیت قیمت جهانی نفت در سطحی که انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری و

همدیگر و وقایعی مانند اسارت وزیر نفت ایران توسط عراق، کشمکش‌های مرزی میان ونزوئلا و اکوادور و برخی دیگر از همسایگان این کشور در طی این سال‌ها، در عزم کلی اوپک در برقراری ثبات در بازار جهانی نفت تأثیر چندانی نداشت. البته در اواسط دهه ۱۹۸۰ و در اوج جنگ تحمیلی، دول خاورمیانه‌ای عضو اوپک در تخریب بازار جهانی نفت به منظور وادار ساختن ایران به سازش از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و در واقع یکی از دلایل اصلی سیاست سهم عادلانه بازار که توسط زکی یمانی -وزیر نفت عربستان- پی‌ریزی و دنبال شد، تضعیف موقعیت مالی جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود.

ظرفیت‌سازی فراهم نمی‌کرد، نگران بودند. این نگرانی به ویژه در میان کشورهای مانند ایران که خواهان ظرفیت‌سازی و ارتقاء سطح تولید خود بودند، جدی‌تر بود. نوسان قیمت در سطح ۳۰ دلار در هر بشکه بهای دلخواه اعضا دارای ذخائر بالا و ظرفیت تولید محدود نبود. حمله آمریکا به افغانستان و مهمتر از آن عراق و خصوصاً پاره‌ای از نشانه‌های اولیه پس از اشغال عراق مبنی بر امکان ادامه ماجراجویی آمریکائی‌ها، علائم محکمی را به بازار جهانی نفت ارسال کرد که جملگی از امکان استقرار قیمت جهانی نفت در سطوح بالاتر حکایت می‌کرد. در اواسط دهه ۲۰۰۰ به تدریج چهره وزارت نفت اوپک تغییر کرد. یادگیری‌های سیاسی جای خود را به مباحث تکنیکی بازار

منطقه آسیای میانه و قفقاز خیلی پائین‌تر از واقعیات بوده، برخی از پارامترهای ساختاری محسوب می‌شدند که بازار را آماده پذیرش قیمت‌های سه رقمی کرد.

اما روند افزایش قیمت در طی سال‌های ۲۰۰۶-۷ عربستان را هراسناک ساخت. عربستان بخصوص از سوی آمریکا تحت فشار زیادی بود تا از تثبیت قیمت جهانی نفت در سطوح بالای ۱۰۰ دلار جلوگیری کند. به گفته تحلیل‌گران بنیاد اینترپرایز، حفظ قیمت نفت در طیف ۷۰-۸۰ دلار در هر بشکه بخشی از تعهد سیاسی ریاض در قبال واشنگتن است، اگر چه در ظاهر پیشنهاد طیف قیمت، اول بار توسط ونزوئلا در اوپک مطرح شد، اما در آن دوره به دلیل پاره‌ای دغدغه‌های داخلی، وزرای نفت



داد و علیرغم یک سری افت و خیزهای اولیه، قیمت نفت برای اولین بار در فوریه ۲۰۰۷ سه رقمی شد. علائم محکمی نیز زمینه تثبیت قیمت جهانی نفت در اعداد سه رقمی را نشان می‌داد. رشد بی‌وقفه تقاضای نفت در کل جهان و به ویژه در آسیا، افت ذخائر و عرضه غیراوپک و تعدادی از اعضا اوپک که نهایتاً به خروج اندونزی از سازمان اوپک انجامید، افزایش بی‌وقفه تقاضای نفت در کشورهای عضو اوپک که نفت کمتری را برای عرضه بین‌المللی قابل دسترس ساخت، افزایش شدید هزینه ظرفیت‌سازی در کشورهای عضو اوپک و خارج از اوپک و نهایتاً نشانه‌هایی از این واقعیت که ذخائر نفتی تخمین زده شده در

ایران در سطح سرپرست و یا در موقعیتی در اجلاس‌های اوپک ظاهر می‌شدند که از ظرفیت کافی برای چانه‌زنی و رایزنی برای تثبیت بهای نفت در سطوح بالاتر برخوردار نبودند؛ در نتیجه، با تبانی عربستان و کشورهای منطقه خلیج فارس، قیمت پتانسیل حفظ و تثبیت خود در سطوح مورد نظر را از دست داد.

نقش کشورهای مختلف عضو اوپک

اوپک از ابتدای تأسیس خود در سال ۱۹۶۰ تا کنون با اختلافات سیاسی و واگرایی‌های مختلفی روبه‌رو بوده است و عراق همواره رکورد ناسازگارترین عضو اوپک را برای خود

حفظ کرده است. علاوه بر تهاجم نظامی به دو همسایه و عضو سازمان اوپک، عراق در طول جنگ همواره کوشیده تا هرگونه وحدت میان اعضا اصلی علی‌الخصوص ایران و عربستان را که به نحوی می‌توانست به ثبات بازار جهانی نفت بیفزاید را مخدوش کند. نمونه آن پافشاری این کشور برای کسب سهمیه برابر با ایران در سال ۱۹۸۶ بود که توافق اعضا را برای مدتی طولانی به تأخیر انداخت و کلیه اعضا سازمان در قیمت‌های پائین، درآمد خود را از بابت صادرات از دست دادند. پس از سقوط صدام نیز دولت عراق از پذیرش نظام سهمیه‌بندی اوپک سر باز زد به این بهانه که چون این کشور طی سال‌های تحریم آمریکا و سازمان ملل، شانس تولید و صادرات نفت خود را از دست داده، باید در شرایط کنونی از نظام سهمیه‌بندی اوپک فارغ باشد تا بتواند به تولید منطقی دلخواه‌اش دست پیدا کند. به احتمال قوی نیز عراق می‌کوشد تا با افزایش تولید خود در سطوح بالا و نزدیک به عربستان و پس از کسب جایگاه دوم اوپک، سهمیه جدیدی بالاتر از ایران به دست آورد. در عین حال که عراق با عقد قراردادهای متعدد تسهیم تولید با شرکت‌های خارجی، محیط سرمایه‌گذاری اوپک در کل منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده و ساختار قراردادهای عراق با شرکت‌های خارجی اکنون به صورت پایه عقد قراردادهای سایر کشورهای منطقه درآمد و شرایط کشورهای عضو اوپک را برای عقد قراردادهای بالادستی دشوار ساخته است.

این در حالی است که در طول جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، شیخ‌نشین کویت بیشترین کمک سرانه را به رژیم صدام می‌کرد و به این امر افتخار هم داشت. شیخ علی خلیفه وزیر نفت قدرتمند کویت که در مواردی حتی به زکی‌یمانی خط می‌داد، بر سر سهمیه برابر عراق با ایران در ۱۹۸۶ بیشترین پافشاری را کرد. او در یکی از اجلاس‌های نهائی اوپک که قبل از پذیرش سهمیه برابر با عراق توسط ایران تشکیل شد، جمله معروفی به زبان آورد که برای سال‌ها در ادبیات سازمان اوپک باقی

وزنوتلا جنبه استراتژیک دارد و این کشور بطور سستی روی حمایت ایران در ارتباط با خواست‌ها و دیدگاه‌های خود در اوپک حساب می‌کند. وزنوتلا حساب ایران را به عنوان یک عضو غیرعرب از عربستان و دیگر کشورهای خاورمیانه جدا می‌داند. گفته‌ای مشهور از پزیدنت پرز رئیس‌جمهور وزنوتلا در اواخر دهه ۱۹۶۰ نقل شده که گفته "ایران و وزنوتلا تنها اعضای متمدن سازمان اوپک می‌باشند!" وزنوتلایی‌ها تا حدی این رویه را در رفتار خود در اوپک هم نشان داده‌اند. یک مقام ارشد کویتی در یکی از اجلاس‌های اوپک در ۱۹۸۵ به من گفت که وزیر نفت کشورش این جمله رئیس‌جمهور اسبق وزنوتلا را بر روی سنگی حک کرده و در دفتر کارش قرار داده است.

سازمان اوپک در طول حیات پنجاه ساله خود چالش‌های زیادی را تجربه کرده و اکنون موفق‌ترین سازمانی است که در میان ممالک جهان سوم طی دهه‌های گذشته فعالیت داشته است. لیکن اوپک در سال‌های آینده با چالشی مهم و تعیین‌کننده روبرو خواهد بود که از آن می‌توان به مرحله گذار از اوپک نام برد. عربستان در سال ۲۰۰۰ مجمع جهانی انرژی را در ریاض تأسیس کرد و به تدریج جایگاهی در حد مرکز ثقل انرژی جهان در نیم قرن پیش رو تا ۲۰۵۰ را برای خود ترسیم کرده است. این مجمع که در آن کلیه بازیگران و دست‌اندرکاران صنعت جهانی نفت شامل تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، شرکت‌های نفتی، شرکت‌های خدماتی نفت و انرژی و تکنولوژی، بانک‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها حضور دارند، به آرامی اما بی‌وقفه به سوی آینده‌ای حرکت می‌کند که منجر به تشکیل یک بازار یکپارچه انرژی جهانی حرکت می‌کند که پایتخت آن نیز می‌تواند عربستان باشد. در این مسیر عربستان به جای پایبندی به هدف حداکثر رساندن درآمد کشورها که در اساسنامه سازمان نیز بعنوان محوری‌ترین اصل آمده، اوپک را عمدتاً وسیله کار خود می‌بیند. ■

۵- نقش فعال و به نوعی جایگاه رهبری در محافل محیط‌زیست سازمان ملل، که حضور عربستان در محافل و مجامع فوق، مواضع عربستان در اوپک و متقابلاً از طریق اوپک در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فوق‌الذکر را تقویت می‌کند.

ایران هم طی سال‌های پس از ۱۹۸۰ تلاش‌هایی را جهت تقویت موقعیت خود به عمل آورده است. طی سال‌های جنگ تحمیلی، ایران موفق شد تا با سازماندهی و رهبری هشت کشور عضو اوپک شامل وزنوتلا، نیجریه، اندونزی، لیبی، الجزایر، اکوادور و گابن (که در آن دوره عضو اوپک بود)، تا حدود زیادی از فشار جناح عربستان بکاهد. چنین موقعیتی کم‌وبیش هنوز هم در اختیار ایران است. همچنین ایران از اعضای اصلی و بنیان‌گذار سازمان اکو است. لیکن به دلیل ناکامی اکو در تحقق اهداف خود، کمک قابل توجهی به ارتقاء موقعیت ایران نکرده است.

علاوه بر این ایران از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواثری مهمی میان دو منطقه مهم انرژی خلیج فارس و آسیای میانه و قفقاز برخوردار است که به صورت بالقوه امتیاز بالایی است که تاکنون جنبه بالفعل پیدا نکرده است.

پس از سقوط صدام و برقراری روابط حسنه با عراق، موقعیت ایران در درون سازمان اوپک نیز تا حدی ارتقاء یافته است. در عین حال که عراق هم مایل است تا از نزدیکی خود با ایران در جهت تقویت موقعیت خود در اوپک استفاده کند.

ایران در سال ۲۰۰۱ تأسیس مجمع کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز را ابتکار کرد که قدم مهمی در صحنه انرژی جهان به شمار می‌آید. اما در عمل ایران از این تلاش خود مستقیماً بهره‌ای نبرد و دبیرخانه مجمع به قطر و ریاست آن نصیب روسیه شد.

وزنوتلا یکی از مؤسسان سازمان اوپک و بلکه اولین کشوری که طرح تأسیس اوپک را عنوان کرد، به طور سنتی روابط خوبی با ایران دارد. وزنوتلایی‌ها در اوپک نگرش متفاوتی دارند. چرا که نزدیکی با ایران در اوپک برای

ماند. شیخ علی خلیفه گفت "آخرین بشکه سیاسی‌ترین بشکه است". در آن مقطع ایران قبول کرد که به طور سمبولیک سهمیه رسمی ایران در حد چند بشکه از سهمیه عراق بیشتر تعیین شود. وزیر کویتی با این جمله خواست بگوید که در زبان و گویش اوپک، هر بشکه حکایت از برتری سیاسی یکی از اعضا دارد. شیخ علی خلیفه در ماه‌های آخر قبل از تجاوز عراق به کویت به سمت وزارت اقتصاد و دارائی کویت رسید و در اولین ساعات حمله عراق به لندن گریخت و هرگز به کویت برنگشت. خانم سیهام رزوقی (Siham Razoqi) عضو هیئت عامل کویت در سازمان اوپک مدتی پس از اشغال کویت و در حالیکه نظامیان بعثی هنوز در خاک کشورش بودند، به من گفت که کویت هرگز اشتباه خود را در حمایت از صدام در جنگ بر علیه ایران فراموش نخواهد کرد. در آن مقطع تعداد بی‌شماری از شهروندان کویتی در ایران زندگی می‌کردند.

اما عربستان تا پیش از سال ۱۹۷۹ دومین تولیدکننده عضو اوپک پس از ایران بود. در آغاز تأسیس اوپک، عربستان پس از وزنوتلا و ایران جایگاه سوم را داشت. ولی طی دهه ۱۹۸۰ عربستان موقعیت خود را بعنوان بزرگترین تولیدکننده اوپک تثبیت کرد، تا جایی که در سال‌های اخیر ۲/۵ برابر دومین تولیدکننده بزرگ اوپک یعنی ایران تولید می‌کند. علاوه بر این عربستان در دیگر زمینه‌ها نیز موقعیت خود را به عنوان یک قدرت نفتی سیاسی محکم کرده است. عربستان اکنون در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای زیر فعالیت دارد:

- ۱- عضویت و در حقیقت مدیریت سازمان کشورهای عرب تولیدکننده و صادرکننده نفت (اوپک OPEC)
- ۲- پی‌ریزی و ایجاد مجمع جهانی انرژی، IEF که دبیرخانه آن در ریاض قرار دارد.
- ۳- عضویت در گروه-۲۰ (G۲۰)، متشکل از کشورهای صنعتی و تعدادی دیگر از کشورهای ذی‌نفوذ در سطح جهانی.
- ۴- عضویت در سازمان تجارت جهانی WTO